

تحلیل حقوقی - جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گدایی در شهر کابل



محمدشفیع صالحی*

چکیده

پدیده گدایی یکی از مسائل اجتماعی جدی و رایج در شهر کابل است، که روزانه در سرک‌ها، بازارها، اماکن عمومی و مساجد مشاهده می‌شود. بسیاری از افراد با ظاهری نامرتب و تظاهر به بیماری، به هدف جلب ترحم عمومی و کسب درآمد بدون تلاش، به گدایی مشغول هستند. این تحقیق به منظور شناسایی ریشه‌های این پدیده، با رویکرد حقوقی - جامعه‌شناختی، به تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر گدایی پرداخته است. پرسش اصلی پژوهش این بوده است که: چه عواملی در گسترش گدایی در کابل نقش دارند و چه راه‌کارهایی می‌توان برای کاهش این پدیده ارائه داد؟ این تحقیق به روش تحلیلی و با استفاده از مشاهدات عینی در مناطق مختلف کابل انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که فقر، بی‌کاری، ضعف نظارت اجتماعی، مهاجرت بی‌رویه و نبود حمایت‌های دولتی از جمله عوامل اصلی گسترش گدایی هستند. راه‌کارهای ارائه شده شامل تقویت سیاست‌های رفاهی، ایجاد فرصت‌های شغلی، اجرای قوانین بازدارنده و آگاهی‌بخشی عمومی است، که می‌توانند در کاهش این معضل و بهبود وضعیت اجتماعی کابل مؤثر واقع شوند.

واژه‌گان کلیدی: گدایی، شهر کابل، معضلات اجتماعی، مشکلات اقتصادی،

ابزارهای حقوقی، راه‌کارها.

دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۸، شماره اول، بهار ۱۴۰۴
غالب (فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل)



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.5>

Ghalib

Received: 11/ 11/ 2024

Accepted: 17/ 03/ 2025

Published: 22/ 03/ 2025

PP: 67 - 89

The Legal-Sociological Analysis of Factors Influencing Begging in Kabul City

Mohammad Shafi Salehi¹

Abstract

Begging is a serious and prevalent social issue in Kabul city, commonly observed on the streets, in markets, public places, and mosques. Many individuals, with untidy appearances and feigned illnesses, engage in begging to attract public sympathy and earn income without effort. This research, with a legal-sociological approach, aims to analyze the economic, social, and cultural factors influencing begging in Kabul. The main research question is: What factors contribute to the spread of begging in Kabul, and what solutions can be proposed to reduce this phenomenon? This study was conducted using an analytical method and direct observations in various areas of Kabul. The findings indicate that poverty, unemployment, weak social monitoring, uncontrolled migration, and lack of governmental support are among the main factors contributing to the spread of begging. The proposed solutions include strengthening welfare policies, creating job opportunities, enforcing deterrent laws, and raising public awareness, which could be effective in reducing this issue and improving the social situation in Kabul.

Keywords: Begging, Kabul city, social issues, economic problems, legal tools, solutions.

¹ Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Ghalib University, Kabul, Afghanistan (shafi.salehi@ghalib.edu.af)

۱. مقدمه

شهر کابل به‌عنوان یکی از مراکز پُرجمعیت و پایتخت افغانستان، با چالش جدی‌ گدایی روبه‌رو است، که تأثیرات عمیقی بر اقتصاد، فرهنگ و زنده‌گی روزمره شهروندان دارد. گسترش روزافزون گداها نه تنها سیمای شهری کابل را تحت‌الشعاع قرار داده است، بل که مشکلات اجتماعی و اقتصادی را نیز به‌طور ملموس برجسته کرده است. گزارش‌های رسمی و آمارهای ارائه‌شده توسط نهادهای مسوول نشان می‌دهند که تعداد قابل‌توجهی از مردم به گدایی مشغول هستند، که برخی مستحق و عده‌یی به‌صورت حرفه‌یی به این فعالیت می‌پردازند (صالحی، ۱۳۹۸: ۸۴).

تحقیق حاضر درباره گسترش گداها در کابل از آن جهت اهمیت دارد که این موضوع مستقیماً به مسأله فقر، بی‌کاری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود. شناخت عوامل و پیامدهای این معضل می‌تواند به سیاست‌گذاران، مردم و نهادهای امداد‌رسان کمک کند تا راه‌حل‌های مؤثری برای کنترل این وضعیت ارائه دهند؛ افزون‌براین، کاهش گدایی می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه منجر شود.

پیشینه تحقیق حاکی از آن است که گدایی به‌عنوان یک مسأله جهانی مورد توجه قرار گرفته است و به‌شیوه‌های مختلفی در نواحی مختلف شهر رخ می‌دهد. پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در گدایی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه، خانوادۀ سالم در سال ۱۳۹۱، بر نقش فقر گسترده و بی‌کاری در گسترش گدایی تأکید کرده و آن را یکی از عوامل اصلی افزایش تعداد گداها در شهر کابل می‌داند؛ هم‌چنین، طبق گفته عظیمی به سال ۱۳۹۴، ضعف آگاهی عمومی و فرهنگ‌های اشتباه در کمک به گدایان، به نوعی وضعیت اجتماعی را تشدید کرده و باعث گسترش گدایی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی شده است. تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که کمک‌های غیرهدف‌مند از سوی مردم به گدایان، به‌طور غیرمستقیم به تشویق این پدیده می‌انجامد.

از سوی دیگر، خوستی در سال ۱۳۹۵، به تحلیل گدایان حرفه‌یی پرداخته است و بر نقش گروه‌های سازمان‌یافته در مدیریت این فعالیت تأکید کرده است. طبق یافته‌های او، بسیاری از گدایان کابل نه‌تنها به‌طور مستمر به این شغل مشغول هستند، بل که به‌طور حرفه‌یی این فعالیت را تحت یک مدیریت شبکه‌یی انجام می‌دهند.

در این زمینه هم‌چنان، ابراهیمی در سال ۱۳۹۶، بر لزوم اصلاحات در قوانین و نظارت‌های شهری برای مقابله با گدایی تأکید کرده و خواستار ایجاد مراکز حمایتی و بازپروری برای گدایان واقعی شده است. تحقیق حاضر نیز این نکته را مورد بررسی قرار داده است.

تحقیق حاضر با موضوع «تحلیل حقوقی - جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گدایی در شهر کابل» به دلیل اهمیت بالای این مسأله انجام می‌شود. گدایی نه تنها نظم و امنیت جامعه را نقض می‌کند، بل که تأثیرات منفی آن بر سلامت جامعه به شدت محسوس است. این تحقیق به بررسی علل، ابعاد و اثرات گدایی در شهر کابل از جوانب حقوقی - جامعه‌شناختی، با تمرکز بر موارد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد و به منظور ارتقای آگاهی و ایجاد تغییرات مؤثر در ساختار جامعه کابل اقدام می‌نماید.

هدف اصلی این تحقیق شناسایی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گسترش گدایی در شهر کابل و ارائه راه کارهای عملی برای کاهش این معضل با تحلیل حقوقی - جامعه‌شناختی است. اهداف فرعی شامل بررسی نقش سیاست‌های شهری، فرهنگ مردم و وضعیت اقتصادی خانواده‌های درگیر با گدایی می‌باشد. این وضعیت اجتماعی ضرورت انجام تحقیقات جامع و گسترده‌تر را در زمینه گدایی افزایش می‌دهد.

پرسش‌های این تحقیق عبارت‌اند از: چه عواملی موجب افزایش تعداد گداها در شهر کابل شده‌اند؟ چه نسبتی از گداهای شهر کابل مستحق هستند و چه نسبتی به صورت حرفه‌یی عمل می‌کنند؟ سیاست‌های کنونی چه تأثیری بر کاهش یا افزایش این معضل داشته‌اند؟ چه راه کارهایی می‌توانند به بهبود وضعیت کمک کنند؟

این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از مشاهده مستقیم انجام می‌شود. محدوده تحقیق شامل مناطق مختلف شهر کابل، به ویژه مناطق پُرجمعیت و محل تجمع گداها، مانند بازارها، مساجد و اماکن تفریحی است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی، بی‌کاری گسترده، فرهنگ خاص مردم و مدیریتی از دلایل اصلی افزایش گداها در کابل هستند. از میان گداهای جمع‌آوری شده، تعداد قابل توجهی مستحق بوده و نیاز به حمایت جدی دارند؛ در حالی که بخش دیگری به صورت حرفه‌یی فعالیت می‌کنند. حضور کودکان بی‌سرپرست و مبتلا به اعتیاد نیز این معضل را پیچیده‌تر کرده است.

۲. تعاریف و مفاهیم

گدایی یکی از معضلات اجتماعی و اقتصادی است، که در جوامع مختلف با شیوه‌های متفاوتی بروز می‌کند. در افغانستان، گدایی به ویژه در مناطق شهری چون کابل، ابعاد گسترده‌یی دارد، که علاوه بر مشکلات اقتصادی، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز دارد. برای درک به‌تر این پدیده، شناخت مفاهیم و تعاریف مختلف آن ضروری است. در این راستا، قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی امارت اسلامی افغانستان، روی کردی دقیق و قانونی به این مسأله ارائه کرده است. این بخش

به بررسی تعاریف گدایی و انواع مختلف آن پرداخته و مفاهیم مرتبط با آن را تبیین می‌کند. باتوجه به فحوی ماده سوم قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی افغانستان، گدایی را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: «شخص به اراده خود یا تحت اجبار از سوی شخص دیگری خواهان کمک مادی از افراد جامعه می‌شود، خواه این عمل از روی مجبوری برای رفع نیازمندی‌های روزمره خود و یا به‌صورت حرفه و پیشه‌ی انجام گیرد».

در تعریف دیگری، گدایی به‌عنوان عملی اجتماعی شناخته می‌شود، که فرد به‌منظور تأمین منابع مالی و رفع نیازهای ضروری زنده‌گی، بدون کار و تلاش شخصی، از دیگران کمک می‌خواهد. این عمل معمولاً در مواقعی رخ می‌دهد که فرد با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی یا خانواده‌گی مواجه باشد (دانش، ۱۳۹۴: ۳۴).

جامعه‌شناسان گدایی را نوعی انحراف اجتماعی می‌دانند، که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است؛ درعین‌حال، گاهی اوقات این عمل به‌عنوان شغلی انحرافی تلقی می‌شود و در سه سطح آب‌رومندانه، غیرآب‌رومندانه و حرفه‌ی طبقه‌بندی می‌گردد. گدایی‌گری را می‌توان به‌عنوان «دست‌درازی کردن» برای کسب درآمد و احتمالاً «سؤال به کف» تعریف کرد. گدایی فرایندی است که در آن فرد گدایی‌گر از دست‌رنج دیگران بهره‌مند شده و زنده‌گی خود را می‌گذراند؛ دراین‌صورت، عمل انجام‌شده به‌عنوان گدایی و شخص انجام‌دهنده آن به‌عنوان گدا شناخته می‌شود.

برای درک بهتر از انجام‌دهنده‌گان عمل گدایی، طبق ماده سوم قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی کشور افغانستان، گداها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. گدای بی‌بضاعت: شخصی است که برای رفع نیازمندی‌های روزانه خود یا خانواده‌اش گدایی

می‌کند؛

۲. گدای حرفه‌ی: شخصی است که بدون نیازمندی، گدایی را به‌عنوان کسب و کار خود اختیار

کرده است؛

۳. گدای تنظیم‌شده: شخصی است که توسط فرد یا اشخاصی برای گدایی سازمان‌دهی و تنظیم

شده باشد.

درنهایت، گدایی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی پیچیده، از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. طبقه‌بندی گداها به سه دسته مختلف نه‌تنها به‌منظور فهم بهتر این پدیده کمک می‌کند، بل که به‌عنوان راهی برای شناسایی دلایل گسترش آن نیز عمل می‌نماید. درک انواع مختلف گدایی و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در جهت تدوین سیاست‌های مؤثر اجتماعی و اقتصادی برای کاهش این

معضل مفید باشد. براساس این تحلیل‌ها، اقدامات قانونی و حمایتی می‌تواند در کاهش گدایی و کمک به بهبود وضعیت اجتماعی افراد گدایی‌گر مؤثر واقع شوند (عظیمی، ۱۳۹۴: ۲۳۱).

۳. گدایی و مجازات‌های قانونی

گدایی یکی از مشکلات اجتماعی است، که در جوامع مختلف وجود دارد. در افغانستان نیز به‌عنوان یک معضل شناخته می‌شود. قبل از تصویب قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی در تاریخ دوم ثور ۱۴۰۳، گدایی در نظام حقوقی افغانستان جرم تلقی نمی‌شد؛ اما پس از تصویب این قانون، گدایی به‌عنوان یک جرم شناخته شد و مقرراتی برای مقابله با آن و کاهش اثرات منفی آن بر جامعه وضع گردید. این قانون شامل مجازات‌های خاصی برای متکدیان، سوءاستفاده‌کننده‌گان و افرادی است که به‌طور سازمان‌یافته اقدام به گدایی می‌کنند. این قانون در ماده چهارم به‌طور مشخص چنین تصریح دارد: «فقره اول: شخصی که صحت‌مند و کاسب بوده و بالفعل خوراک یک روز را داشته باشد، نمی‌تواند به گدایی مبادرت ورزد و یا برای این منظور از اطفال، معلولین یا اشخاص معیوب استفاده کند؛ فقره دوم: شخصی که صحت‌مند باشد، ولی کاسب نباشد و یا کاسب باشد، ولی صحت‌مند نباشد و خوراک یک روز را داشته باشد، نمی‌تواند به گدایی مبادرت ورزد و یا برای این منظور از اطفال یا اشخاص معیوب استفاده کند».

این ماده با هدف جلوگیری از سوءاستفاده از منابع اجتماعی و حفظ کرامت انسانی تدوین شده است. افراد صحت‌مند و قادر به کار تشویق به فعالیت اقتصادی می‌شوند و سوءاستفاده از افراد ضعیف‌تر به‌عنوان ابزار گدایی ممنوع می‌گردد.

در خصوص مجازات متکدیان، ماده ۲۲ قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی کشور افغانستان چنین مقرر کرده است: «فقره اول: هرگاه شخصی به‌صورت حرفه‌یی یا تنظیم‌شده به هدف جلب ترحم از طفل، مجنون یا معلول استفاده کند، از سوی محکمه مربوط به حبس تا یک ماه مجازات می‌شود؛ فقره دوم: تنظیم‌کننده‌گان گداهای مندرج فقره (۱) این ماده از سوی محکمه مربوط به حبس تا شش ماه مجازات می‌شوند؛ فقره سوم: شخصی که پس از دریافت مساعدت مجدداً به گدایی مبادرت ورزد، از سوی محکمه مربوط به حبس ده الی سی روز مجازات می‌شود».

این ماده بر ضرورت مقابله با گدایی سازمان‌یافته و حرفه‌یی تأکید دارد. مجازات‌های تعیین‌شده برای استفاده‌کننده‌گان از افراد آسیب‌پذیر و تنظیم‌کننده‌گان گداها، نشان‌دهنده جدیت در جلوگیری از این معضل اجتماعی است؛ هم‌چنین، مجازات برای کسانی که پس از دریافت کمک دوباره به گدایی روی می‌آورند، نشان‌دهنده تلاش برای کاهش وابستگی به گدایی است (وزارت عدلیه، قانون جمع‌آوری گداها، ۱۴۴۷).

ماده ۲۳ قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی درباره توقیف افراد مذکور چنین تصریح دارد: «معینیت مبارزه علیه مواد مخدر مکلف است گداها و اشخاص مندرج ماده ۲۲ این قانون را با محضر دست‌گیری و معلومات مربوط، در خلال ده روز به محکمه مربوط تسلیم کند و در صورت عدم تکمیل دوسیه در مدت مذکور، تمدید آن را از محکمه مربوط طلب کند».

این ماده به وضوح روند قانونی رسیده‌گی به پرونده‌های گدایان و اشخاص سوءاستفاده‌گر را مشخص می‌کند. تأکید بر زمان‌بندی ده‌روزه و ضرورت تکمیل دوسیه‌ها در زمان معین، کارایی و سرعت در اجرای عدالت را تضمین می‌کند.

جلوگیری از گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه عمومی یکی از مکلفیت‌های شهرداری‌هاست، که در ماده ۲۰ این قانون چنین مقرر شده است: «فقرة اول: شاروال‌ها مکلفاند گداهایی که استعداد کار دارند را، در صورت امکان، در امور مربوط به شاروالی استخدام کنند؛ فقرة دوم: وکلای گذر نواحی مکلفاند در نانوایی‌ها، مساجد و سایر اماکن مربوط از گدایی جلوگیری کنند».

این ماده به منظور توان‌مندسازی گدایان و بازگرداندن آن‌ها به جامعه فعال اقتصادی تدوین شده است. مکلف کردن شهرداری‌ها به استخدام گدایان قادر به کار، نشان‌دهنده تعهد به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش فقر است. وکلای گذر نیز موظف به نظارت و جلوگیری از گدایی در اماکن عمومی هستند (وزارت عدلیه، قانون جمع‌آوری گداها، ۱۴۴۷).

در مورد آموزش متکدیان، این قانون مکلفیتی را در ماده ۱۷ به وزارت معارف محول کرده و چنین تصریح دارد: «وزارت معارف مکلف است زمینه تعلیم و تربیت گداهای معرفی شده را در مکاتب و مدارس مربوط فراهم نموده و گزارش آن را به کمیسیون جلوگیری از گدایی ارائه نماید». این ماده بر اهمیت آموزش و تربیت گدایان به‌عنوان راهی برای خروج از چرخه فقر تأکید دارد. وزارت معارف با فراهم کردن زمینه‌های آموزش برای گدایان، نقش مهمی در ارتقای سطح زنده‌گی آن‌ها و کاهش وابسته‌گی به گدایی ایفا می‌کند. ارائه گزارش‌ها به کمیسیون جلوگیری از گدایی نیز نشان‌دهنده نظارت مستمر بر این فرایند است.

این قانون با هدف مقابله با گدایی، سوءاستفاده از افراد آسیب‌پذیر، توان‌مندسازی گدایان و تأمین عدالت اجتماعی تدوین شده است. مواد قانونی مذکور تلاش می‌کنند تا با تدوین مقررات و مجازات‌های مشخص، گدایی را به‌عنوان یک معضل اجتماعی کاهش دهند و افراد را به سمت فعالیت‌های اقتصادی مفید سوق دهد. از طریق این قانون، جامعه به سمت کاهش فقر، ارتقای سطح زنده‌گی و افزایش کارایی اقتصادی پیش می‌رود (وزارت عدلیه، قانون جمع‌آوری گداها، ۱۴۴۷).

درنهایت، قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی در افغانستان تلاش دارد تا با نظارت قانونی و اعمال مجازات‌های دقیق، گدایی را به‌عنوان یک معضل اجتماعی کاهش دهد؛ از یک سو، با

در نظر گرفتن شرایط ویژه متکدیان، به توان‌مندسازی آن‌ها و فراهم کردن فرصت‌های شغلی و آموزشی توجه دارد، و از سوی دیگر، با وضع مجازات‌های سخت، به مقابله با سوء‌استفاده‌کنندگان از افراد آسیب‌پذیر و گدایی سازمان‌یافته می‌پردازد. این اقدامات در راستای ارتقای عدالت اجتماعی و کاهش فقر، به تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی کشور کمک می‌کنند.

۴. روش‌های گدایی در شهر کابل

مسئله جدی که شهر کابل را تهدید می‌کند، گسترش روزافزون گداهاست. هر روز، براساس تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده در سطح کشور، آمارهای تکان‌دهنده‌یی از این معضل منتشر می‌شود. برای مثال، نتیجه اقدامات کمیته جمع‌آوری گداها از شهر کابل، که در وب‌سایت وزارت اقتصاد امارت اسلامی افغانستان منتشر شده، نشان‌دهنده آمار بزرگ از گداهایی است که صرفاً در تاریخ ۲۸ قوس سال ۱۴۰۲ از مناطق مختلف شهر کابل جمع‌آوری شده‌اند. تعداد آن‌ها به ۱۹۸۲۷ نفر رسیده است. از مجموع گدایان جمع‌آوری‌شده، ۱۱۲۸۵ نفر زن بوده‌اند، که پس از ارزیابی، تعداد ۴۷۳۰ نفر آن‌ها مستحق شناسایی شده‌اند و ۶۵۵۵ نفر دیگرشان به‌عنوان گدایان حرفه‌یی شناخته شده‌اند؛ همچنین، از میان گدایان جمع‌آوری‌شده، ۱۸۱۲ نفر مرد بوده‌اند، که پس از ارزیابی، ۶۸۴ نفر آن‌ها مستحق و ۱۱۲۸ نفر دیگرشان به‌عنوان گدایان حرفه‌یی شناخته شده‌اند. در میان این گداها، تعداد ۶۷۳۰ کودک شناسایی شده‌اند، که از این میان، ۲۷۳۷ نفر مستحق و ۳۹۳۱ نفر دیگرشان گدایان حرفه‌یی هستند؛ همچنین، ۶۲ کودک بی‌سرپرست در میان این گروه قرار دارند.

دفتر معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزرای امارت اسلامی افغانستان، روز یک‌شنبه، ۲۹ میزان سال ۱۴۰۳، با نشر بیانیه‌یی در شبکه اجتماعی ایکس‌ایم‌اچ اعلام کرده است که تنها از مناطق مختلف شهر کابل، ۵۸ هزار و ۸۴۱ نفر گدا جمع‌آوری شده‌اند. طبق این آمار، از این میان، ۲۷ هزار و ۷۱۵ نفر گدا مستحق، ۳۱ هزار و ۱۲۶ نفر دیگر گدایان حرفه‌یی و بقیه افراد شامل کودکان بی‌سرپرست و بیماران مواد مخدر هستند. این آمار نشان‌دهنده وضعیت نگران‌کننده‌یی است که گدایی در شهر کابل ایجاد کرده و وضعیت بحرانی آن را به‌وضوح بیان می‌کند. باید توجه داشت که آمار دقیق و جامع گدایان در شهر کابل در دسترس نیست و تنها تخمین‌هایی از تعداد گدایان موجود است.

براساس مصاحبه‌هایی که با گدایان در مناطق مختلف شهر کابل انجام شد، به‌طور میانگین، گدایان روزانه درآمدی بین ۱۵۰ تا ۷۰۰ افغانی دارند و برخی از این گدایان به‌صورت خانواده‌گی به گدایی می‌پردازند. شهروندان شهر کابل شاهد حضور گدایان در مناطق مختلف شهر هستند، که با چهره‌ها و قیافه‌های متفاوت به گدایی مشغول‌اند. به‌نظر می‌رسد که تعداد گدایان در ولایت کابل به دلیل عوامل اقتصادی، فرهنگی و عاطفی مردم بیش از دیگر ولایات افغانستان باشد. این افراد

بیش‌تر در نقاط پرتردد و شلوغ شهر، مانند بازارها، محلات تفریحی، مساجد شریف و به‌ویژه در روزهای جمعه و عیدها به گدایی مشغول هستند؛ اما پرسش این‌جاست که چه عواملی باعث شده است که شهر کابل، به‌ویژه در مناطق فوق‌الذکر، به بستری مناسب برای فعالیت و جذب گداها تبدیل شود؟ این مسأله گاهی به فرهنگ مردم و گاهی به مسائل اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های شهری بازمی‌گردد. گدایان در شهر کابل به‌شیوه‌ها و روش‌های مختلف، زمان خود را در بازارها و دیگر نقاط پرتردد سپری می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). در این‌جا به شناسایی مکان‌ها و روش‌های مختلف گدایی در شهر کابل پرداخته خواهد شد:

۴-۱. گدایی پنهان یا مستتر

گدایی پنهان یا مستتر به وضعیتی اطلاق می‌شود، که در آن فردی بدون آشکارسازی مستقیم نیاز مالی یا درخواست کمک، تلاش می‌کند تا از دیگران کمک مالی دریافت کند. این روش‌ها می‌توانند شامل استفاده از ظاهر، روایت داستان‌های دل‌خراش یا انجام کارهایی باشند، که به‌طور غیرمستقیم مخاطب را به کمک مالی ترغیب می‌کنند (عظیمی، ۱۳۹۴: ۳۴۵). در ادامه، چند نمونه از گدایی پنهان آورده می‌شود:

۱. نشان‌دادن وضعیت ظاهری: فرد ممکن است با پوشیدن لباس‌های کهنه یا کثیف، وانمود کند که در وضعیت سختی قرار دارد تا دیگران به او کمک کنند؛
 ۲. گفتن داستان‌های تأثیرگذار: فرد ممکن است داستان‌هایی درباره مشکلات خانواده‌گی، بیماری‌ها یا از دست‌دادن شغل برای جلب ترحم و دریافت کمک مالی بگوید؛
 ۳. فروش اجناس ارزان‌قیمت: برخی افراد ممکن است اجناس کم‌ارزش، مانند قلم، گل یا اشیای دست‌ساز را بفروشند، اما هدف اصلی آن‌ها دریافت پول به‌عنوان کمک باشد.
- گدایی پنهان می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و در بسیاری از موارد، مرز بین این روش‌ها و فعالیت‌های مشروع اقتصادی نامشخص است. مهم‌ترین نکته این است که فرد به‌طور مستقیم از دیگران درخواست پول نمی‌کند، بل که با استفاده از روش‌های غیرمستقیم سعی در جلب کمک مالی دارد.

۴-۲. گدایی با کودکان

گدایی با کودکان در شهر کابل یکی از مشکلات اجتماعی عمده‌ی است که توجه بسیاری از نهادها و سازمان‌های حقوق بشری را به خود جلب کرده است. این مسأله به‌ویژه در پی جنگ‌ها و ناآرامی‌های طولانی‌مدت، فقر گسترده، و کم‌بود امکانات آموزشی و بهداشتی شدت یافته است.

کودکان خردسال به‌طور عمدی در مکان‌های عمومی، مانند بازارها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل قرار می‌گیرند و با ظاهر آشفته و انجام فعالیت‌های کودکانه، تلاش می‌کنند تا حس ترحم و هم‌دردی عابران را برانگیزند. این روش به دلیل سوءاستفاده از وضعیت آسیب‌پذیر کودکان و فشار اقتصادی به خانواده‌های آنان، موجب نگرانی‌های جدی در زمینه حقوق کودک و اخلاق اجتماعی می‌شود (ولد و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

در بسیاری از موارد، این کودکان تحت کنترل افراد بزرگ‌تر قرار دارند، که از وضعیت آنان برای جلب کمک استفاده می‌کنند. این مسأله نه‌تنها به دلیل نقض حقوق کودکان، بل که به دلیل تأثیرات منفی بر رشد جسمی و روانی آنان، بسیار جدی است.

بسیاری از کودکان که در گدایی شرکت دارند، به مکتب نمی‌روند و فرصت‌های آموزشی و توسعه فردی را از دست می‌دهند. این وضعیت می‌تواند منجر به چرخه فقر شود، که نسل‌به‌نسل ادامه یابد. کودکان گدا در معرض خطرات جسمی و روانی زیادی قرار دارند، از جمله سوءاستفاده جنسی، اعتیاد، و بیماری‌های مختلف. این موضوع بسیار مهم و تکان‌دهنده است؛ چرا که آینده نامشخص آنان تحت‌الشعاع قرار دارد. این کودکان به دلیل عدم دسترسی به آموزش و فرصت‌های توسعه، آینده‌ی نامعلوم و پر از چالش خواهند داشت (ایوبی، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

۴-۳. گدایی تمارضی و معلولیت (قطع عضو)

گدایی تمارضی یا وانمودکردن به داشتن معلولیت برای جلب ترحم و دریافت کمک مالی از دیگران، یک مشکل اجتماعی جدی است، که در بسیاری از جوامع مشاهده می‌شود. گدایی تمارضی و معلولیت شامل افرادی است که به‌طور عمدی نقص‌های جسمی یا آسیب‌های فیزیکی را نمایش می‌دهند تا حس ترحم و هم‌دردی شهروندان را تحریک کنند. این روش شامل استفاده از زخم‌های ساخته‌گی، آسیب‌های سوخته‌گی، یا نقص‌های عضوی است که به‌طور غیرواقعی ایجاد می‌شود. افراد در این روش معمولاً به‌طور عمدی در حالت‌های زاری و درد قرار می‌گیرند تا تأثیر عاطفی بیشتری بر روی عابران بگذارند.

این شیوه به دلیل پوشاندن واقعیت‌های سلامت و ایجاد تصویر فریبنده، موجب افزایش نگرانی‌های اجتماعی و اخلاقی می‌شود. گدایان در این روش معمولاً با بهره‌برداری از وضعیت‌های ظاهری و فیزیکی، کمک‌های مالی را جذب می‌کنند. این رفتار می‌تواند تأثیرات منفی بر افراد واقعی معلول داشته باشد و اعتماد عمومی را نسبت به نیازمندان واقعی کاهش دهد.

۴-۴. گدایی به شکل درمانده و مسافر

در کابل، بسیاری از گداها خود را به عنوان درمانده و مسافر معرفی می کنند. این روش به منظور جلب ترحم و دل سوزی مردم به کار گرفته می شود. گدایی به شکل درمانده و مسافر شامل افرادی است که با ظاهری مشابه مسافران، در نزدیکی ترمینال ها، ایستگاه های حمل و نقل و دیگر نقاط پُرتردد شهر حضور دارند. این افراد معمولاً با حمل بکس های سفری و ارائه داستان هایی مبنی بر نیاز به کمک برای بازگشت به زادگاه خود، تلاش می کنند تا کمک مالی جلب کنند. آن ها ممکن است ادعا کنند که به دلیل مشکلات مالی و گم کردن بکس پول، قادر به پرداخت کرایه سفر خود نیستند. این شیوه به دلیل استفاده از داستان های قابل باور و ایجاد ظاهر اضطراری، به ویژه در مکان های پُرتردد، مانند ایستگاه های موتور، ترمینال های بس های مسافربری، یا محل های گردش گری دیده می شود و از مسافران یا افراد محلی درخواست کمک می نمایند.

۴-۵. گدایی به منظور درمان

یکی از شیوه های گدایی در شهر کابل، گدایی به منظور درمان است. گداها با استفاده از وضعیت بیماری یا ناتوانی جسمی، برای جلب ترحم و دریافت کمک های مالی از مردم از روش های مختلف استفاده می کنند. گداهای درمانی معمولاً در دروازه های شفاخانه ها و کلینیک ها مشاهده می شوند. این افراد اغلب با نمایش نسخه های پزشکی و لیست داروهای مورد نیاز، عصا، ویلچر، یا بانداژ برای تأکید بر وضعیت جسمانی خود، یا نمایش وضعیت های حاد سلامتی، به منظور جلب کمک های مالی بیش تر ادعا می کنند که به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه های درمان، به کمک مالی نیاز دارند. این روش به دلیل بهره برداری از وضعیت های سلامتی و درمانی، به ویژه در مناطقی که با خدمات طبی مرتبط هستند، مؤثر واقع می شود (ولد و هم کاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

لازم به ذکر است که برخی از این افراد ممکن است واقعاً در شرایط دشواری قرار داشته باشند، در حالی که برخی دیگر ممکن است از این روش به عنوان راهی ساده تر برای کسب درآمد استفاده کنند.

۴-۶. گدایی با لباس آراسته

گداهای شیک پوش در شهر کابل با استفاده از لباس های مرتب و مدرن سعی دارند تصویری متفاوت از گداهای سنتی ارائه دهند. این افراد با روش های مختلف تلاش می کنند توجه و ترحم مردم را جلب کنند. برخی از شیوه های متداول آنان عبارتند از:

- ظاهر آراسته: پوشیدن لباس های تمیز و مدرن که موجب می شود در نگاه اول مانند افراد عادی

جامعه به نظر برسند؛

- مکان‌های خاص: انتخاب مکان‌های شلوغ و پُرتردد، مانند مراکز خرید، رستوران‌ها و مناطق توریستی که احتمال برخورد با افراد متمول‌تر در آن‌جا بیش‌تر است؛

- داستان‌های شخصی: ارائه داستان‌های تأثیرگذار و غم‌انگیز از زندگی شخصی خود به‌منظور تحریک حس ترحم و دل‌سوزی مردم؛

- استفاده از کودکان: برخی از این افراد کودکان خود را همراه می‌آورند تا با نمایش وضعیت سخت زندگی‌شان، توجه بیش‌تری را جلب کنند؛

- رفتار مؤدبانه: رفتار محترمانه و مؤدبانه با مردم به‌منظور ایجاد ارتباط انسانی و دوستانه.

این روش‌ها نشان‌دهنده تطبیق متکدیان با شرایط جدید و تلاش آن‌ها برای بقا در شرایط سخت اقتصادی است. این وضعیت هم‌چنین نیاز به تدابیر جدی و برنامه‌های حمایتی از سوی دولت و سازمان‌های خیریه را برجسته می‌کند تا به کاهش این معضل اجتماعی کمک شود.

۴-۷. گداهایی که مورد ترحم قرار گیرند

این گداها معمولاً در محدوده‌های حضیره‌ها و مکان‌های دفن اموات فعالیت می‌کنند. این افراد با ابراز هم‌دردی و غم‌خواری با داغ‌دیده‌گان و سوگواران، تلاش می‌کنند کمک‌های مالی جمع‌آوری کنند. در این روش، گداها عمدتاً در مکان‌های مرتبط با مرگ و سوگواری حضور دارند و با استفاده از وضعیت عاطفی افراد، به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌پردازند. این شیوه به‌ویژه در مناطق قبرستان‌ها و دارالرحمه به دلیل ایجاد حس ترحم و هم‌دردی، مؤثر است و به‌طور خاص در این مکان‌ها مشاهده می‌شود (صالحی، ۱۳۹۸: ۲۸۴).

۴-۸. گدایی سرقفلی و قراردادی

گدایی سرقفلی و قراردادی در کابل و برخی دیگر از شهرهای بزرگ، به‌شیوه‌های خاصی برای جمع‌آوری پول و انجام فعالیت‌های خیریه انجام می‌شود. گداهای سرقفلی با تقسیم مناطق شهری به نواحی تحت تسلط خود، به‌اصطلاح «سرقفلی» اجاره می‌کنند و برای فعالیت در این نواحی، مبلغی را به‌عنوان اجاره پرداخت می‌کنند. گداها برای جمع‌آوری پول در مکان‌های مشخص، از طریق توافق با دیگر گداها یا حتی مالکان مکان‌ها، مبلغی به‌عنوان حق‌الزحمه یا اجاره می‌پردازند؛ به‌عبارت دیگر، ممکن است برای جمع‌آوری پول در یک مکان خاص، با دیگران رقابت یا توافق کنند. علاوه‌براین، گداهای قراردادی تحت مدیریت قراردادهنده فعالیت می‌کنند و درصدی از کمک‌های دریافتی را به قراردادهنده پرداخت می‌کنند. این شیوه‌ها معمولاً در مناطق پُرتردد و شلوغ، مانند بازارها، خیابان‌های بزرگ و مکان‌های گردش‌گری و تفریحی بیش‌تر مشاهده می‌شود و ممکن است شامل

روش‌های غیررسمی و غیرقانونی برای جمع‌آوری پول و مدیریت فعالیت‌ها باشد. علاوه‌براین، درگیری‌ها و مشکلات ناشی از تقسیم منابع را نیز در قبال خود دارند.

۵. مشکلات اجتماعی و اقتصادی گدایی

گدایی یک مشکل اجتماعی شایع در بسیاری از شهرهای بزرگ است؛ با این تفاوت که میزان بروز، زمینه‌ها و عوامل گسترش و نحوهٔ مقابله با آن برحسب ویژه‌گی‌های اقتصادی- اجتماعی ولایت‌ها متفاوت است. کابل نیز از پدیدهٔ گدایی و پیامدهای آن مصون نیست. درواقع، شرایط خاص گداه‌ها به‌گونه‌یی است که بی‌توجهی و غفلت طی سال‌های متمادی نسبت به گسترش آن، میزان معضلات و انحرافات اجتماعی را افزایش داده و شرایط نابه‌هنجار آن‌ها، آسیب‌های بسیاری را در جامعه تولید یا بازتولید خواهد کرد (ولد و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۱۶۳). همان‌طور که آسیب‌های اجتماعی به دلایل متعددی پدید می‌آید و عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نقش بسیار مهمی در بروز آسیب‌ها دارند، پدیدهٔ گدایی نیز از این قاعده مستثنا نیست و از دیرباز به‌عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه دولت‌ها بوده است، اما هیچ‌یک از تدابیر اتخاذشده چندان کارساز و راه‌گشا نبوده و به تعبیر مددکاران اجتماعی «اقتصاد گدایی با خلاقیت‌های مختلف در حال چرخش است».

این مشکل، زاییدهٔ فقر و نابرابری اجتماعی است و شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهند که به دلیل کسب درآمد بالا، گداه‌ها به دنبال شغل نمی‌روند و هرازگاهی با تغییر شکل و نحوهٔ گدایی به‌کار پُر درآمد خود رونق بیش‌تری می‌بخشند. برخی از گداه‌ها با تظاهر به نقص عضو در مکان‌های پُرتردد گدایی می‌کنند؛ برخی هم با پوشش مناسب و از طریق چانه‌زنی با عابران و درخواست کمک مالی، کسب درآمد دارند و گاه ترفندِ شان‌جلب‌ترحم از طریق پوشیدن لباس‌های مندرس است (آبوت، والاس، ۱۳۸۰: ۲۱۳). گروهی از گداه‌ها در کابل با سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی درآمد کسب می‌کنند؛ خواباندن کودکان کرایه‌یی در سطح معابر نیز از دیگر روش‌های گدایی به‌شمار می‌رود. برخی گداه‌ها نیز به اسم فروش بعضی اقلام، برای فریب مردم اقدام می‌کنند. گدایی با نوزاد سر چهارراه‌ها، گدایی کودکان در معابر و چهارراه‌ها با دودکردن اسفند و پاک‌کردن شیشهٔ موترها نیز از انواع دیگر این حرفه است. نشان‌دادن نسخهٔ مریضی و فقر هم از روش‌های دیگر گدایی است که گداه‌ها در برخی نقاط کابل از این طریق روزانه درآمد خوبی کسب می‌کنند.

سازمان‌دهنده‌گان متکدیان در کابل برنامه‌های خلاقانه‌یی نیز دارند. آنان با توجه به شرایط مناطق مختلف شهر و حجم تردد افراد با وسایل نقلیهٔ عمومی یا شخصی، کودکانی از جنسیت‌های مختلف، نوزادان و حتا نوع پوشش گداه‌ها را طرح‌ریزی کرده و آنان را به جاده‌ها روان می‌کنند. گدایی

از طریق فروش ساجق، جوراب، فال و کالاهای بی‌کیفیتی که افراد معمولاً به آن‌ها نیازی ندارند، معمول‌ترین روش گدایی در سر چهارراه‌ها است (صمدی، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

می‌توان گداه‌ها را در چند گروه تقسیم‌بندی کرد: «دسته اول، افرادی هستند که شغل‌شان گدایی است و اغلب از این راه کسب درآمد می‌کنند. دسته دوم، افرادی هستند که به دلیل نیازمندی و فقر و به‌منظور تأمین معاش به گدایی روی آورده‌اند. دسته سوم، افرادی هستند که درگیر جرایمی مانند مواد مخدر هستند و برای تأمین آذوقه و مواد مخدر گدایی می‌کنند. عده‌ی دیگر افرادی هستند که به دلیل بی‌پولی ناشی از مهاجرت گدایی می‌کنند. برخی از گداه‌ها افراد بی‌تابعیت (جوگی) هستند که به دلیل بی‌سرپناهی، بی‌هویتی و بی‌شغلی به این کار روی می‌آورند. اما برخی دیگر افرادی هستند که در قالب گدایی به جرایمی مانند قاچاق و توزیع مواد مخدر اقدام می‌کنند. درواقع، گدایی پوششی برای پنهان کردن جرایم آنان به‌شمار می‌رود. برخی از افراد نیز دست‌فروشی می‌کنند و فروش کالا بهانه‌ی برای گدایی آنان است.

در سراسر جهان موضوع گدایی و بی‌خانمانی وجود دارد. گدایی معمولاً در کشورهای فقیر و درحال توسعه نمود بیش‌تری دارد و افغانستان نیز از این موضوع مستثنا نیست. آماری دقیق از تعداد گداه‌ها در دست نیست؛ زیرا گدایی موضوعی نیست که قابل ثبت و شناسایی مستمر باشد. درواقع، بیش‌تر قضاوت‌هایی که در این زمینه وجود دارد یا براساس مشاهدات میدانی یا براساس تعداد گداهایی است که به مراکز نگهداری اعزام می‌شوند (دانش، ۱۳۹۴: ۳۵).

۶. ارائه راه کارهای عملی

زمانی که جامعه فقر را به‌عنوان یک آسیب تجربه می‌کند، به‌طور طبیعی بستر گدایی نیز رشد پیدا می‌کند؛ اما این موضوع که چرا در شهر کابل پدیده گدایی تا این حد گسترده شده است، باید از منظر پدیدارشناسی و به شکلی عمیق بررسی شود؛ چرا که برخی از افراد گدا، توسط افراد سودجو مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و به گدایی گمارده می‌شوند؛ به‌عبارتی، چندین سال است که هزینه‌های هنگفتی برای جمع‌آوری و سامان‌دهی گداه‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ اما نه تنها گداه‌ها روزبه‌روز به‌طور سرطانی رشد می‌کنند، بل که بسیاری از آن‌ها با اعمال نیروی انسانی و هزینه‌های ارگان‌ها جمع‌آوری شده و دوباره به‌سرعت آزاد می‌شوند و گدایی را به‌شیوه‌های مدرن یا سنتی از سر می‌گیرند. پدیده گدایی موضوعی است که نمی‌توان با آن به‌صورت طرح ضربتی برخورد کرد؛ چرا که این پدیده زائیده مسائل اجتماعی است و نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و مستمر می‌باشد (صمدی، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

راه کارهای زیر به‌طور اصولی می‌توانند در ریشه‌کن کردن این مشکل مؤثر واقع شوند:

۶-۱. شناسایی شرایط و ابعاد گدایی

شناسایی دقیق ابعاد و شرایط پدیده گدایی، به‌عنوان مرحله‌ی اساسی در مواجهه با این مشکل، اهمیت ویژه‌ی دارد. برای دستیابی به یک تحلیل جامع، لازم است که تحقیقات علمی و مطالعات میدانی به‌طور نظام‌مند و پیوسته انجام گیرد. این بررسی‌ها باید به تحلیل ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گدایی پرداخته و شامل شناسایی گروه‌های آسیب‌پذیر، الگوهای مختلف گدایی و عوامل مؤثر بر گسترش آن باشد. به‌طور خاص، باید علل گوناگون، مانند فقر، بی‌کاری و ضعف‌های ساختاری در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی بررسی شوند. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از این تحقیقات می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر برای کاهش گدایی کمک کرده و راه‌کارهای عملی و راه‌بردی برای حل این معضل فراهم آورد (صمدی، ۱۳۸۵: ۳۲۱).

۶-۲. تقویت زیربناهای اقتصادی و برنامه‌ریزی مطلوب

گدایی پدیده‌ی اجتماعی است، که به دلیل مشکلات اقتصادی، فقر، بی‌کاری، عدم دسترسی به خدمات رفاهی و نبود زیربناهای اجتماعی مناسب، گسترش می‌یابد. برای کاهش این پدیده و تقویت زیربناهای اقتصادی، برنامه‌ریزی اقتصادی مطلوب از جمله راه‌کارهای کلیدی برای مقابله با گدایی به شمار می‌آید. این اقدامات شامل ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی، تقویت شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، آموزش و مهارت‌آموزی، مبارزه با فقر شهری، تقویت اقتصاد غیررسمی، بهبود وضعیت معیشتی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

باتوجه به این که فقر و محرومیت از عوامل اصلی تکدی‌گری به‌شمار می‌روند، توجه به اصلاح ساختارهای اقتصادی و برنامه‌ریزی برای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها امری ضروری است. ایجاد برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های آسیب‌پذیر و ارتقای سطح درآمد و بهبود شرایط کاری برای افراد، به‌ویژه به دلیل این که بسیاری از گدایان متأهل و دارای خانواده هستند، می‌تواند به کاهش میزان گدایی منجر شود؛ همچنین، توجه به بهبود نظام‌های اقتصادی و کاهش شکاف‌های اجتماعی می‌تواند در کاهش فقر و در نتیجه کاهش پدیده گدایی مؤثر باشد. در مجموع، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و تقویت زیربناهای اقتصادی و اجتماعی، همراه با سیاست‌های حمایتی و آموزشی، از جمله راه‌کارهای کلیدی در کاهش گدایی و ارتقای سطح زندگی جامعه است (فاریابی، ۱۳۹۶: ۷۱).

۶-۳. آموزش و فرهنگ‌سازی شهروندان

آموزش و فرهنگ‌سازی به‌عنوان ابزاری مؤثر در مقابله با پدیده گدایی اهمیت ویژه‌ی دارند. این آموزش باید شامل اطلاع‌رسانی درباره شیوه‌های مختلف گدایی و فریب‌های مرتبط با آن باشد تا

شهروندان بتوانند با شناخت بهتر و اطلاعات دقیق‌تر به درخواست‌های خیابانی پاسخ دهند. رسانه‌ها و مطبوعات به‌عنوان ابزارهای مؤثر برای انتشار اطلاعات و افزایش آگاهی عمومی، نقش برجسته‌یی در فرایند فرهنگ‌سازی ایفا می‌کنند؛ همچنین، برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در محلات مختلف می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و کاهش گسترش گدایی کمک کند. تغییر نگرش عمومی نسبت به گدایی و کاهش حساسیت‌های نابه‌جا نسبت به این پدیده، می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی و کاهش تعداد گدایان منجر شود (عظیمی، ۱۳۹۴: ۲۳۱).

۶-۴. تنظیم و متمرکز کردن نهادهای حمایتی

تنظیم و متمرکز کردن نهادهای حمایتی به‌منظور بهبود عمل‌کرد و اثربخشی کمک به افراد نیازمند، شامل مجموعه‌یی از اقدامات است که به‌منظور ایجاد هماهنگی و مدیریت به‌تر این نهادها صورت می‌گیرد. ماده ششم قانون جمع‌آوری گدایان و جلوگیری از گدایی امارت اسلامی افغانستان، در جهت تنظیم و متمرکز کردن نهادهای حمایتی، به ترکیب و وظایف کمیسیون جلوگیری از گدایی اشاره داشته و نهادهای مختلف را به تشکیل کمیسیونی برای مبارزه مؤثر با این پدیده هدایت می‌کند؛ همچنین، سامان‌دهی و متمرکز کردن نهادهای غیردولتی که به حمایت از نیازمندان مشغول هستند، می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی خدمات ارائه‌شده کمک کند. در حال حاضر، این نهادها بدون هماهنگی و نظم کافی فعالیت می‌کنند و این عدم هماهنگی منجر به پراکنده‌گی و ناکارآمدی خدمات می‌شود (خانواده سالم، ۱۳۹۱: ۵۴).

ایجاد کمیسیونی مشترک متشکل از نمایندگان تمامی نهادهای حمایتی و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند به بهبود فرایندهای حمایتی و جلوگیری از تداخل فعالیت‌ها کمک کند. این تمرکز می‌تواند به ارتقای کارایی و اثربخشی خدمات حمایتی منجر شود و استفاده بهینه از منابع را تضمین کند؛ با این روش، می‌توان کار کرد:

الف. ایجاد یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده: تأسیس یک نهاد مرکزی برای نظارت و هماهنگی میان تمامی نهادهای حمایتی دولتی و غیردولتی که فعالیت‌های آن‌ها را به‌طور متمرکز مدیریت کند، از مهم‌ترین اقدامات است؛

ب. بانک اطلاعات: ایجاد یک سیستم اطلاعاتی مشترک و یک‌پارچه، که اطلاعات و ارقام تمام افراد نیازمند و خدمات دریافتی آن‌ها را ثبت و بررسی کند. این سیستم (بانک اطلاعات) از ارائه کمک‌های تکراری جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود که کمک‌ها به‌صورت عادلانه‌تر توزیع شوند و به مستحقان برسد (روی، ۱۳۷۷: ۳۱۲)؛

ج. تقویت هم‌کاری میان نهادها: تشویق نهادهای حمایتی به هم‌کاری نزدیک با یک‌دیگر، به‌ویژه در زمینه تبادل اطلاعات، تقسیم وظایف و اشتراک منابع، می‌تواند اجراءات و سرعت در ارائه خدمات را افزایش دهد (وزارت عدلیه، قانون جمع‌آوری گدایان، ۱۴۴۷ق)؛

د. نظارت و ارزیابی مستمر: نهادهای حمایتی باید به‌طور منظم ارزیابی شوند تا از اثربخشی و تأثیرگذاری اقدامات اطمینان حاصل شود. این ارزیابی‌ها می‌تواند به بهبود مستمر خدمات و کاهش مشکلات کمک کند.

با اجرای راه‌کارهای فوق، می‌توان نظام حمایتی به‌تری ایجاد کرد و به‌صورت هدفمند و مؤثر به افراد نیازمند کمک نمود.

۶-۵. بازنگری قوانین و افزایش مجازات‌ها

بازنگری قوانین و افزایش مجازات‌ها، به‌ویژه در قانون جمع‌آوری گدایان و جلوگیری از گدایی، از جمله راه‌کارهای ضروری برای مقابله با این پدیده است. مجازات‌های فعلی به دلیل ناکافی بودن نسبت به درآمد بالا و سودآوری فعالیت‌های گدایی، تأثیر زیادی ندارند؛ بنابراین، نیاز به بازنگری در قوانین و افزایش میزان مجازات‌ها وجود دارد تا این اقدامات به‌طور مؤثرتری با این پدیده شوم مقابله کنند. به‌ویژه در مورد گدایان حرفه‌یی و تنظیم‌کننده‌گان گدایان، مطابق با فقره (۱) ماده (۲۲) قانون جمع‌آوری گدایان و جلوگیری از گدایی.

هم‌چنین، توجه به جنبه‌های پیش‌گیرانه به‌جای صرفاً جنبه‌های جزائی می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند و پیش‌گیری از بروز گدایی را تسهیل نماید. تدوین قوانین جدید و به‌روز، که به جنبه‌های مختلف گدایی توجه داشته باشد، می‌تواند به اجرای مؤثرتر و کاهش پدیده گدایی کمک نمایند (ایوبی، ۱۳۹۲: ۳۲۵).

۶-۶. معرفی به مراکز آموزشی و تعهد به آموزش

معرفی به نهادهای آموزشی و تعهد به آموزش مهارت‌های فنّی و شغلی، یکی از مؤثرترین راه‌کارها برای مقابله با گدایی، به‌ویژه در میان اطفال، نوجوانان و سایر گروه‌هاست. آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌یی می‌تواند به این افراد فرصت‌های شغلی جدیدی فراهم کند و آن‌ها را از مسیر گدایی دور نگه دارد. این اقدام می‌تواند به جلوگیری از نهادینه‌شدن گدایی در نسل‌های آینده و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن مؤثر واقع شود.

هم‌چنین، ایجاد برنامه‌های آموزشی و توان‌مندسازی برای گدایان می‌تواند به افزایش فرصت‌های اشتغال و بهبود وضعیت معیشتی آن‌ها منجر گردد. این موضوع را می‌توان در قالب موارد زیر توضیح داد:

الف. معرفی به نهادهای آموزشی: این مرحله به فرایند ثبت نام یا معرفی افراد (مانند متعلمان یا کارمندان) به نهادها یا مراجع آموزشی اشاره دارد تا بتوانند از برنامه‌های آموزشی یا دوره‌های تحصیلی بهره‌مند شوند؛

ب. تعهد به آموزش: این عبارت به معنای تعهد فرد یا سازمان به ادامه فرایند یادگیری و آموزش است. این تعهد می‌تواند شامل تعهد اخلاقی، مالی و زمانی برای پیش‌برد و بازآموزی باشد.

۶-۷. تجدید نظر در برخورد قانونی و به‌روزرسانی قوانین

با وجود این که قانون جمع‌آوری گدایان و جلوگیری از گدایی به‌تازگی از سوی امارت اسلامی افغانستان نافذ و منتشر شده است، این قانون از برخی مشکلات عاری نیست و نیاز به تجدید نظر در برخورد قانونی و به‌روزرسانی قوانین مربوط به گدایی، یکی از اقدامات ضروری برای مقابله با این معضل است. با توجه به تغییرات و تنوع‌های جدید در پدیده گدایی، قوانین قبلی ممکن است نتوانند به‌طور مؤثر با این معضل مقابله کنند. به‌روزرسانی قوانین و ایجاد چهارچوب‌های قانونی مناسب می‌تواند به شناسایی و برخورد با شیوه‌های جدید گدایی کمک کند. این اقدام شامل بررسی و اصلاح نقاط ضعف قانونی و ایجاد قوانین جدیدی است، که به‌طور جامع و کامل به مسأله گدایی بپردازد و از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند (فاریابی، ۱۳۹۶: ۴۳).

برای تجدید نظر در برخورد قانونی و به‌روزرسانی قوانین، به‌طور مختصر می‌توان مراحل زیر را پیش‌نهاد داد:

۱. بررسی و تحلیل وضعیت فعلی: شناسایی نقاط ضعف، کم‌بودها و نواقص در قوانین موجود و تعیین نیازهای جدید جامعه؛
۲. مشاوره با کارشناسان و متخصصان: تشکیل گروه‌های مشاوره‌ی متشکل از حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و کارشناسان مرتبط برای ارزیابی دقیق و جامع؛
۳. مقایسه با قوانین بین‌المللی: بررسی تجربیات موفق سایر کشورها و استفاده از الگوهای بین‌المللی در حوزه‌های مشابه؛
۴. به‌روزرسانی قوانین به‌صورت منظم: پیش‌نهاد تغییرات جزئی و متناوب براساس تغییرات اجتماعی و اقتصادی، به‌جای تغییرات کلی؛
۵. مشارکت عمومی و نظرخواهی: استفاده از نظرات مردم و گروه‌های ذی‌نفع در فرایند بازنگری قوانین؛
۶. شفافیت و اطلاع‌رسانی عمومی: اعلام تغییرات قانونی به‌صورت شفاف و قابل فهم برای عموم مردم به‌منظور افزایش آگاهی و پذیرش قوانین جدید.

روی کردهای فوق می‌توانند در کاهش مشکلات حقوقی و اجرایی و به‌روزماندن قوانین مؤثر واقع شوند.

۶-۸. مشارکت مردمی و هم‌کاری منسجم نهادها

مشارکت مردمی و هم‌کاری منسجم نهادها، نقش حیاتی در کاهش گدایی و حمایت از افراد نیازمند دارند. این هم‌کاری منسجم بین نهادهای دولتی و غیردولتی برای حل مشکل گدایی ضروری است. این امر شامل ایجاد سازوکارهای مؤثر برای هماهنگی و هم‌کاری بین نهادهای مختلف و هم‌چنین تأمین منابع مورد نیاز برای اقدامات پیش‌گیرانه و حمایتی است. تنها از طریق انسجام و عزم ملی هم‌راه با هم‌کاری همه‌جانبه می‌توان به‌طور مؤثر با پدیده گدایی مقابله کرد و این مشکل اجتماعی را کاهش داد (فاریابی، ۱۳۹۶: ۷۵). توجه به نقش و اهمیت مشارکت جامعه و هم‌کاری نهادها می‌تواند به توسعه و اجرای راه‌کارهای جامع و مؤثر کمک کند. برخی از راه‌کارهای مؤثر در این زمینه عبارتند از:

الف. آگاهی عمومی در جامعه: با ایجاد کمپین‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی، مردم می‌توانند با روش‌های صحیح کمک به نیازمندان آشنا شوند و از حمایت مستقیم از متکدیان جلوگیری کنند تا به این ترتیب چرخه گدایی تقویت نشود؛

ب. ترویج فرهنگ نیکوکاری سازمان‌یافته: تشویق مردم به مشارکت در خیریه‌ها و سازمان‌های معتبر که به‌صورت اصولی و شفاف کمک‌ها را به نیازمندان واقعی می‌رسانند؛

ج. تقویت هم‌کاری بین نهادها: حکومت، شهرداری‌ها، مؤسسات خیریه و نهادهای مردمی باید هم‌کاری نزدیکی داشته باشند تا برنامه‌های جامع حمایتی و توان‌مندسازی برای نیازمندان تدوین و اجرا شود؛

د. جذب مشارکت‌های مالی و انسانی: مردم می‌توانند از طریق کمک‌های مالی یا به‌عنوان داوطلب در پروژه‌های خیریه و اجتماعی شرکت کنند و به این ترتیب بخشی از راه‌حل برای کاهش گدایی باشند (ایوبی، ۱۳۹۲: ۶۵).

۷. مناقشه

مسئله گدایی در شهر کابل، به‌ویژه با درنظرگرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، یکی از موضوعات چندوجهی و پیچیده است. برای تحلیل دقیق‌تر این پدیده، مقایسه دیدگاه‌های موجود و تحقیقات قبلی ضروری است.

در مطالعات پیشین، فقر و بی‌کاری به‌عنوان عوامل کلیدی گدایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. گزارش‌های اقتصادی نشان می‌دهند که عدم دسترسی به شغل‌های پایدار و کاهش فرصت‌های

اقتصادی، بسیاری از خانواده‌ها را به سمت گدایی سوق داده است. این دیدگاه هم‌راستا با نظریه‌یی است که گدایی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی می‌داند.

برخی از تحقیقات به تأثیر ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی در گسترش گدایی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، نقش خانواده و جامعه در تقویت یا مهار این پدیده مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی از محققان معتقدند که وجود باورها یا پذیرش اجتماعی نسبت به گدایی می‌تواند این پدیده را تقویت کند.

پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که به تداخل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند. این مطالعات تأکید دارند که تنها با ارائه راه کارهای جامع و چندبُعدی، می‌توان پدیده گدایی را کاهش داد. برای مثال، ایجاد اشتغال هم‌راه با آموزش عمومی و تغییر نگرش‌های اجتماعی از جمله پیش‌نهادهای این گروه بوده است.

اما در این پژوهش، ما بر این موارد تأکید داریم:

الف. راه کارهای اقتصادی: ارائه فرصت‌های شغلی، حمایت‌های مالی از خانواده‌های آسیب‌پذیر و تقویت برنامه‌های اقتصادی می‌تواند به کاهش گدایی کمک کند. این اقدامات به‌ویژه در کاهش گدایی‌های ناشی از نیاز فوری مؤثر خواهد بود؛

ب. راه کارهای فرهنگی و اجتماعی: آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی و ایجاد آگاهی در میان خانواده‌ها و مکتب‌ها درباره اهمیت تحصیل و شغل‌های پایدار ضروری است. مبارزه با باورهای اجتماعی که گدایی را توجیه یا تقویت می‌کنند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛

ج. راه کارهای تلفیقی: استفاده از سیاست‌های ترکیبی، مانند ارائه آموزش فنی و حرفه‌یی هم‌راه با حمایت مالی و فرهنگی، به‌ترین روی‌کرد برای کاهش گدایی در کابل خواهد بود. این سیاست‌ها باید با هم‌کاری نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی اجرا شوند.

باتوجه به ابعاد مختلف گدایی در کابل، نمی‌توان تنها بر یک عامل تمرکز کرد. همان‌طور که تحقیقات قبلی نشان داده‌اند، این پدیده نیازمند روی‌کردی جامع است، که هم‌زمان مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در نظر گیرد. بررسی‌ها و تحقیقات بیش‌تر می‌توانند به ارائه راه‌حل‌های مؤثرتر برای کاهش و درنهایت ریشه‌کن کردن این معضل کمک کنند (سادات، ۱۳۹۰: ۸۳).

۸. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که گدایی در کابل ناشی از مجموعه‌یی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است. عوامل اقتصادی شامل فقر گسترده، بی‌کاری، کم‌بود فرصت‌های شغلی و عدم

دسترسی به منابع پایدار درآمد می‌باشند. عدم وجود حمایت‌های رفاهی و اجتماعی و سیاست‌های ناکارآمد در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، به گسترش گدایی دامن زده است.

عوامل اجتماعی و فرهنگی، مانند مهاجرت‌های بی‌رویه و افزایش جمعیت‌های بی‌خانمان در کابل، فشار مضاعفی بر منابع شهری وارد کرده است. ضعف آگاهی عمومی، کمک‌های غیرهدف‌مند و گروه‌های سازمان‌یافته، گدایی را به یک حرفه غیرقانونی تبدیل کرده‌اند.

عوامل مدیریتی و نظارتی، از جمله ضعف در اجرای قوانین و عدم هماهنگی میان نهادهای مسؤول، باعث ادامه این معضل خواهد شد و به جای پاک‌سازی ظاهری، به ریشه‌های اصلی این مشکل پرداخته شود.

هم‌چنان، تحقیق نشان داد که گدایان کابل به دو دسته تقسیم می‌شوند: مستحقان واقعی، مانند زنان بی‌سرپرست و کودکان بی‌خانمان، که به دلیل شرایط دشوار مجبور به گدایی شده‌اند و گدایان حرفه‌یی، که به صورت سازمان‌یافته این فعالیت را به شغلی غیرقانونی تبدیل کرده‌اند.

برای مقابله با این پدیده، راه‌کارهایی شامل ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت مراکز بازپروری برای گدایان واقعی، اصلاح و تقویت قوانین مربوط به گدایی، آگاهی‌بخشی به مردم و تقویت هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی پیش‌نهاد شده است.

درنهایت، برای کاهش گدایی در کابل، رویکرد جامع و هم‌کاری محور بین دولت، نهادهای خیریه و مردم ضروری است. این رویکرد می‌تواند گدایی را به فرصتی برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی تبدیل کند و در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان مؤثر باشد.

ORCID

Mohammad Shafi Salehi



<https://orcid.org/0009-0001-4823-248X>

ارجاع به این مقاله (APA):

. صالحی، محمدشفیخ. (۱۴۰۴). «تحلیل حقوقی - جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گدایی در شهر کابل».

فصل نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۱). ۶۷ - ۸۹. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.5>

To Cite this Article (APA):

. Fazli, Aziz Ahmad; Moaz, Muhammad Hnif; Habib, Khalid Ahmad. (2025). "The Legal-Sociological Analysis of Factors Influencing Begging in Kabul City". *Ghalib Journal*. 14(1). 67 - 89. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.5>

سرچشمه‌ها

۱. ابراهیمی، محمدیونس. (۱۳۹۶). **نظام اقتصادی اسلام**. کابل: انتشارات امیری.

۲. اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی یا زنان کتک‌خورده*. تهران: انتشارات سالی.
۳. ایوبی، فضل الرحمن. (۱۳۹۲). *د بشر حقوق، جندر او د ماشومانو حقوق*. کابل: د پولیسو د اکادمی لوی قوماندانی.
۴. ایوبی، فضل الرحمن. (۱۳۹۲). *حقوق بشر، جندر و حقوق طفل*. کابل: قوماندانی عمومی اکادمی پولیس.
۵. آبوت، پلاما؛ کلر، والاس. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: انتشارات نی.
۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۱). *خانواده سالم و جامعه خوشبخت*. کابل: شرکت سهامی مطبوعه نعمانی.
۷. خوستی، عبدالسلام. (۱۳۹۵). *حقوق اطفال*. کابل: انتشارات میوند.
۸. دانش، حفیظ الله. (۱۳۹۴). *حقوق جزای بین‌المللی*. کابل: انتشارات مستقبل.
۹. روی، ماری. (۱۳۷۷). *زنان کتک‌خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده*. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: علمی.
۱۰. سادات، معصومه. (۱۳۹۰). *سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده*. تهران: نشر میزان.
۱۱. صالحی، محمدشفیع. (۱۳۹۸). *کریمینولوژی*. کابل: انتشارات حامد رسالت.
۱۲. صمدی، فلک‌نیاز. (۱۳۸۵). *حقوق اطفال*. کابل: نورالسلام.
۱۳. عظیمی، شرف‌الدین. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی جنایی*. کابل: انتشارات رسالت.
۱۴. فاریابی، محمد عظیم. (۱۳۹۶). *کریمینولوژی*. کابل: انتشارات حامد رسالت.
۱۵. وزارت عدلیه. (۱۳۴۳). *قانون جمع‌آوری گداها و جلوگیری از گدایی*.
۱۶. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اتیپس، جفری. (۱۳۸۸). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه علی شجاعی. تهران: سمت.

References

1. Ibrahim, Mohammad Younus. (2017). *Islamic Economic System*. Kabul: Amiri Publications.
2. Azadi, Shahla. (2001). *Domestic Violence or Battered Women*. Tehran: Saali Publications.
3. Ayubi, Fazel Rahman. (2013). *Human Rights, Gender, and Children's Rights*. Kabul: Police Academy's Major Command.

4. Ayubi, Fazel Rahman. (2013). *Human Rights, Gender, and Child Rights*. Kabul: Police Academy's Major Command.
5. Abot, Palama; Keller, Wallace. (2001). *Sociology of Women*. Translated by Monyeh Najm Iaraqi. Tehran: Ney Publications.
6. A Group of Writers. (2012). *Healthy Family and Prosperous Society*. Kabul: Niaamani Publishing Company.
7. Khosti, Abdul Salam. (2016). *Children's Rights*. Kabul: Maiwand Publications.
8. Danesh, Hafizullah. (2015). *International Criminal Law*. Kabul: Mustaqbal Publications.
9. Roy, Mary. (1998). *Battered Women: Psychological Study of Domestic Violence*. Translated by Mehdi Qaraaje Daagh. Tehran: Ilmi Publications.
10. Sadat, Masoumeh. (2011). *Criminal Policy of Afghanistan Regarding Victimized Women*. Tehran: Mizan Publishing.
11. Salehi, Mohammad Shafi. (2019). *Criminology*. Kabul: Hamed Resalat Publications.
12. Samadi, Falaq-Niaz. (2006). *Children's Rights*. Kabul: Noor-al-Salam Publications.
13. Azimi, Sharafuddin. (2015). *Criminal Psychology*. Kabul: Resalat Publications.
14. Faryabi, Mohammad Azim. (2017). *Criminology*. Kabul: Hamed Resalat Publications.
15. Ministry of Justice. (1964). *Law on the Collection of Beggars and Prevention of Begging*.
16. Wald, George; Bernard, Thomas; Etipps, Jeffrey. (2009). *Theories of Criminology*. Translated by Ali Shajai. Tehran: Samt Publications.